



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله عليها)

مقاله کانون پژوهش

بررسی علل نزول قرآن به عربی

پژوهشگران:

راضیه دهقانی، مریم زارعی، رقیه شریفی زاده، مرضیه فرهادی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

چکیده

از آنجایی که هر دینی باید با زبان قومش نازل شود، دین اسلام نیز در میان اعراب نازل شد و کتاب آسمانی این دین عزیز نیز به زبان عربی است. باید با فلسفه‌ی نزول قرآن به زبان عربی آشنا شد تا بتوان در آن تأمل و تدبیر کرد و آموزه‌های آن را آن گونه که شایسته است، فرا گرفت. بحث جنجال برانگیزی که در مورد عربی بودن قرآن مطرح میشود این است که این دین ۱۴۰۰ سال پیش نازل گشته، اما اکنون با پیشرفت زبانها و تکنولوژی میتوان عبادات را با همه‌ی زبانهای زنده‌ی دنیا انجام داد. بنابراین اگر با فلسفه‌ی نزول قرآن به زبان عربی آشنا شد میتوان با طیب خاطر بهتری، عبادات را انجام داد.

این تحقیق شامل سه بحث اصلی است. اولین بحث درباره‌ی واژه شناسی نزول و زبان دین است. بحث دوم در مورد ارتباط زبان و دین و سومین مبحث درباره‌ی علل نزول قرآن به عربی از دیدگاه قرآن و از دیدگاه علماء بررسی شده است. به نظر میرسد با موضوعات مطرح شده در این تحقیق بتوان به تفکر جامعی درباره‌ی علل نزول قرآن به زبان عربی رسید. هرگاه انسان در مورد موضوعی به رضایت خاطر دست یابد و از راه علمی و نقلی به آن پی ببرد، پژوهش آن موضوع برایش راحت‌تر صورت میگیرد. بنابراین با پژوهش علل نزول قرآن به عربی، جبهه گیریهای افراطی در مقابل آن کاهش مییابد و میتوان با دیدگاهی غیر مغرضانه به تأمل و تدبیر در آن پرداخت.

مقدمه

با گسترش اسلام عزیز در سراسر گیتی، مردم از فرهنگها و زبانهای مختلف به این دین رو آورده‌اند. هر چند دین اسلام در میان اعراب نازل شد و به قلب مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله) که ایشان نیز عرب بودند نازل گشت اما اکنون دهها زبان زنده‌ی دنیا با اسلام آشنایی دارند و به آن گرایش پیدا کرده‌اند. اما در این میان همیشه افرادی بوده‌اند که با توحید و یکتاپرستی دشمنی داشته‌اند و به طرح شباهات بیپایه و اساس در این مورد پرداخته‌اند. معجزه‌ی پیامبر (ص) گرامی اسلام که همان قرآن کریم است نیز به زبان عربی نازل گشته و مراسم عبادی مانند نمازهای این دین مبین نیز باید به زبان عربی باشد و حتی دعاها را مخصوصین و بزرگان، کتابهای نوشته شده توسط بزرگان اسلام همه به عربی است. اما شباهه‌ی که مطرح می‌شود این است که انسان هر گونه که با خدای خویش آرامش بیشتری دارد، با هر زبانی که می‌تواند با خدای خویش نجوا کند، باید سخن بگوید و نماز بخواند، چرا به اجبار باید به عربی خواند و یا اینکه زبان عربی برای افراد عرب نازل گشته است پس مسلمانی که عرب نیست می‌تواند با زبان دلخواهش عبادات را انجام دهد و دهها شباهه دیگر پیرامون این موضوع مطرح می‌شود. در این تحقیق تلاش بر این است که ارتباط بین زبان و وحی بررسی شود و نیز علل مختلف نزول قرآن به عربی نیز در گستره‌ی این چند صفحه است.

۱- واژه شناسی

۱-۱- وحی در لغت

بنا به تعریف علماء، وحی کلام الهی است که بر فرستادگانش نازل میگردد. در حقیقت اصطلاح و تعبیری است از ارتباط میان خدا و پیامبران. این ارتباط یا توسط پیام آوری است که خود دیده و سخن‌شنیده میشود. مانند تبلیغ جبرئیل بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآلہ وسلم)، و یا تنها کلامش فهمیده میشود چون وحی بر موسی (علیه السلام)، و یا از طریق الهام و تسخیر رویا و از این قبیل است.

۲-۱- سابقه وحی

سابقه‌ی وحی و نبوت همزمان تمدن بشری است. امتنی در جهان نبوده که در آن پیامبری نباشد و امتنی نبود که در میان آنها بیم دهنده و راهنمایی نباشد تا حجت خدا بر خلق تمام گردد و کسی را در برابر او حجتی نماند. وحی در زمانهای مختلف و بر افراد گوناگونی نازل شده و مردم زیادی با روشها، زبانها، منشهای مختلفی مکلف به تبلیغ وحی شده‌اند.^۱

۳-۱- معنای نزول

نزول در مورد قرآن، بیشتر در دو معنا استفاده میشود: وارد شدن و جای گیر شدن. اما هیچ یک از این معانی لغوی سزادوار نزول قران نیست. زیرا لازمه‌ی این معانی جسم بودن قران است. بلکه منظور از نزول ظهور وحی است در پیامبر. یعنی نزولی روحانی و معنوی که تنها پیامبر آن را ادراک داشته و حقیقت آن را میدانسته. پس به ناچار در اینجا برای نزول باید معانی مجازی به کار برد. در واقع، بیشتر این اصطلاحات، استعارات و تمثیلات مادی است تا به فهم عمومی نزدیکتر باشد. بنابراین ظهور وحی در پیامبر تعبیر به نزول شده است.^۲

۲- ارتباط زبان با دین و وحی

۲-۱- زبان وحی

زبان، آسانترین وسیله‌ی انتقال مفاهیم ذهنی در انسان به شمار می‌رود و ساده‌ترین ابزاری است که آدمی میتواند در جیات اجتماعی، معانی متصوره خویش را مورد تبادل و تفاهم قرار دهد. مسئله خطیر تفہم که لازمه‌ی زندگی اجتماعی است تنها از همین راه است که سهل و

شاید در نظر آن جاهلان بی سواد «مضمون» عبارات نمیتوانست چنان اهمیتی را که «بیان» داشته است، دارا باشد و شاید به همین جهت، قرآن را به «شعر» و «سحر» بودن متهم می‌کردد.^۵

۴- عللی که علما آن را بیان میکنند

ارسال رسولان و پیامبران الهی به سوی اقوام و ملت‌های مختلف جز به زبان آنها صورت نگرفته و این هم زبانی هر پیامبر یا قوم خویش، یک اصل کلی و فراگیر بوده است، چنان که در خود قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است. «ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لبیین لهم فیضل الله من يشاء و يهدى من يشاء و هو العزيز الحكيم؛ و ما هيچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا برای آنان بیان کند پس خدا هر که را بخواهد بی راه میگذارد و هر که را بخواهد هدایت میکند و اوست ارجمند و حکیم (ابراهیم آیه ۴)».

این قاعده کلی در ارسال رسول الهی، در انزال کتب آسمانی نیز جاری گشته است. «و كذلك اوحينا اليك قرانا عربيا لينذر ام القرى و من قولها و تنذر يوم الجمع لا ريب فيه، فريق في الجنه و فريق في السعير؛ و بدين گونه قرآن عربي به سوی تو وحی کردیم تا مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی و از روز گرد آمدن که تردیدی در آن نیست بیم دهی گروهی در بهشتند و گروهی در آتش (سوره شوری آیه ۷)».

بنابراین عربی بودن قرآن امری طبیعی بوده است، چرا که پیامبر (صلوات الله عليه و آله و سلم) از میان قومی به رسالت مبعوث گشت که زبانشان عربی بود. این امر با رسالت جهانی و دعوت همگانی او که برای همه‌ی عصرها و نسل هاست هدایتگری کتابش که هدی للناس است، منافاتی ندارد. هشدار به مردم مکه که در سوره شوری آمده است تنها از این جهت است که پیامبر (صلوات الله عليه و آله و سلم) در مراحل اولیه حرکت جهانی خود مأمور به هدایت بستگان، نزدیکان و مردم منطقه‌ی خویش است. معقول نیست که پیامبری به ارشاد و هدایت مأمور گردد آنگاه کتابی را که مخاطبان اولیه با زبان آن بیگانه‌اند، به آنان عرضه کند. قرآن آنگاه در جهان مورد پذیرش قرار میگیرد که نخست در منطقه‌ی بعثت پیامبر با اقبال مردمی رو布رو شده باشد.

درباره‌ی عربی بودن قرآن به این واقعیت نیز باید توجه کرد که زبان شناسان معتقدند زبان عربی، دامنه و گسترهای بسیار وسیع دارد و از این جهت، بر سایر زبانها برتری دارد. مثلاً افعال در زبان عربی جای شش صیغه، چهارده صیغه دارد. یا تمام اسمها مذکر و مومن دارد و

فراوانی مفردات و اشتقاء کلمات، دستور زبان و فصاحت و بلاغت آن نیز این زبان را از دیگر زبانها ممتاز میسازد. بر این اساس روایتی که ابن عباس از پیامبر (صلوات الله عليه و آله و سلم) نقل کرده است زبان عربی، زبان اهل بهشت است. بدون تردید، خداوند برای آخرین کتاب آسمانی خود که تا ابد زنده و پایینده خواهد بود، بهترین زبان را انتخاب میکند و برای دفع هر گونه ابهامی، همه جا انتخاب آن را به خود نسبت داده و از آن به عربی مبین یاد میکند مثلاً در آیاتی مانند «انا جعلناه قرآنأ عربياً لعلكم تعقلون؛ که ما قرآن را به لسان فصيح عربى مقرر داشتيم تا شما در فهم آن عقل و فكر کار بنديد (زخرف آيه ۳)» و «انا انزلناه قرآنأ عربياً لعلكم تعقلون؛ اين قرآن مجید را ما به عربى فرستاديم باشد که شما به تعليمات او عقل و هوش يابيد (يوسف آيه ۲)» به آن اشاره میکند. اين دو آيه گويای اين حقيقت است که عربيت مستند به خداوند است و اوست که معنا و محتواي قرآن را در پوشش لفظ عربى نازل فرموده است تا قابل تعقل و تأمل باشد.^۶ علامه طباطبائي ميگويد: دو جنبه عربيت الفاظ قرآن و استناد آن به وحى، در ضبط اسرار آيات و حقايق معارف دخيل است. اگر تنها معنا و مفهوم آيات به پیامبر القا شده و الفاظ از پیامبر (صلی الله عليه و آله و سلم) بود، چنان که در احاديث قدسي چنین است، و يا اگر به زبان دیگري ترجمه شده بوده بخشی از اسرار آيات، پوشیده ميماند و از دسترس عقول بشر خارج ميگشت.

بنابراین میتوان دليلی دیگر برای انتخاب زبان عربی را غنى بودن و توانمندی بالای آن در تبيين مطالب دانست. در قرآن کلمه اعجمی به کار رفته است که منظور از آن در آيه، غير فصيح است، آن چنان که امام معصوم ميفرمایند: عربى فصيح قرآن از واژهها و ساختاري برخوردار است که گويابی زبانهای دیگر را دارد در حالی که زبانهای دیگر گويابی آن را ندارد. بنابراین با توجه به ويژگی زبان عربی و بعثت پیامبر (صلی الله عليه و آله و سلم) از ميان عرب زبان و نيز تاملی که در كاربرد واژهی عربی در آيات وجود دارد، اگر قرآن، عربی نبود جای سوال و اشكال وجود داشت چرا که عربی بودن آن، امری طبیعی و عادی است.^۷

نتیجه‌گیری

هر چند هر دینی باید به زبان خود آن قوم نازل گردد علی نیز برای این امر مطرح می‌شود. از جمله اینکه اگر با زبان خود قوم باشد پذیرش آن دین بهتر و سریعتر از جانب افراد صورت می‌گیرد. در واقع زبان هر قومی یک ارتباط عاطفی است که میان مردم و زبان و آداب برقرار است. پس هر چه این ارتباط عاطفی بیشتر باشد پذیرش دین بهتر صورت می‌گیرد. این تحقیق علل دیگری را نیز نشان میدهد مانند اینکه در خود قرآن که دشمنان را به تحدي دعوت می‌کند، این نیز یکی از علل عربی بودن قرآن است.

از علل دیگر فصاحت، گستردگی و اشاعه‌ی بهتر معانی توسط زبان عربی است که زبانهای دیگر توانایی این گستردگی را ندارند و نمیتوانند به این گستردگی مفهوم و معنای واژه‌ها را بیان کنند، بنابراین لازم است قرآن به زبان عربی باشد.

پی نوشت

- ۱- رامیار. محمود، تاریخ قرآن، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ چاپ نهم ۱۳۸۹، ص ۷۷ و ۷۹
- ۲- رامیار. محمود، تاریخ قرآن، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ چاپ نهم ۱۳۸۹، ص ۱۸۱
- ۳- معرفت. محمدهادی، علوم قرآنی، موسسه فرهنگی تمہید، قم، ۱۳۸۹
- ۴- سعیدی روشن. محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۹، ص ۴۳
- ۵- حکیم. محمد باقر، علوم قرآنی، تبیان، تهران، ۱۳۷۸، صص ۳۲ تا ۲۹
- ۶- جوان آراسته. حسین، درسنامه‌ی علوم قرآنی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳ صص ۵۰-۴۹
- ۷- جوان آراسته. حسین، درسنامه‌ی علوم قرآنی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳ صص ۱۶ و ۱۷

فهرست منابع

*قرآن کریم

- ۱- جوان آراسته، حسین، درسنامه‌ی علوم قرآنی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۳
- ۲- حکیم، محمد باقر، علوم قرآنی، تبیان، تهران، ۱۳۷۸
- ۳- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ چاپ نهم ۱۳۸۹
- ۴- سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۹
- ۵- معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، موسسه فرهنگی تمهید، قم، ۱۳۸۹